

## معناشناسی «بین» در قرآن و برابرنهاده فارسی آن (با رویکرد نحوی)

فاطمه گلی<sup>۱</sup>

دکتر رضا شکرانی<sup>۲</sup>

دکتر سید محمدرضا ابن‌الرسول<sup>۳</sup>

### چکیده

ترجمه قرآن از مهمترین ضرورت‌ها و رسالتی بر دوش پژوهشگران زبان عربی است، و باید به صورت کاملاً زبانشناختی و براساس دستاوردهای پژوهشی مبنایی در زمینه‌های واژگانی، صرفی، نحوی و بلاغی صورت گیرد، یکی از پژوهش‌های لازم در این زمینه نیز، تحلیل ساخت‌های نحوی قرآن کریم براساس سیاق آیات و برابریابی آن در زبان مقصد است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی از رهگذر تحلیل لغوی، نحوی، روابط همنشینی و جانشینی در کاربرد واژه «بین» در قرآن در ساخت‌های مختلف، و دسته‌بندی هر یک در ساخت‌های همسان و براساس بسامد آن، به تدوین چارچوبی روشن برای ترجمه جملات دارای قیده‌های یکسان می‌پردازد؛ تا بتوان معنای بین، ذات بین، بین‌آیدی و ... را بررسی و به طریقی نو در ترجمه علمی قرآن کریم، که در نوع خود بسیار بدیع و کم‌نظیر است، دست‌یازید.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، ظرف «بین»، نحو، معناشناسی، ترجمه.

### ۱. مقدمه:

قرآن کریم معجزه گرانقدری برای بشریت است؛ خداوند برای انتقال پیام وحی از عجیب‌ترین شگفتی انسان یعنی زبان (بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ) (شعراء/۸۴) استفاده نموده است؛ لذا «از لحظه نخستین قرآن عرب را مات‌کرد» (قطب، ۱۳۵۹: ۳۲). فهم درست زبان و ویژگی‌های زبانی راهنمای دریافت مفهوم عمیق و ترجمه دقیق این کتاب آسمانی است؛ و در این راه به استمداد از لغت معتبر قریب به عصر قرآن، و ادبیات عربی و مطالعات زبان‌شناسی نیازمندیم (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱: ۱۸۰). از این رو مفسران و دانشمندان علوم قرآنی از آغاز تا کنون در پرتو شناخت زبان عربی و با استناد به قرائن و روایات، سعی در پرده‌برداری از رموز آیه‌ها و غموض سایه‌های آن نموده؛ مترجمین نیز تمام تلاش خود را در جهت ارائه بهترین برابریابی بکاربرده‌اند؛ ضمن اینکه ترجمه «بین» نزد ایشان مبتنی بر نظریه خاصی نبوده است.

هدف از این پژوهش شناخت انواع ساخت‌های مختلف نحوی-قرآنی «بین»، در راستای ارائه ترجمه دقیق و علمی از آن، با تکیه بر پژوهش‌های زبانی و دستوری می‌باشد، و می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد: \*ویژگی‌های مختلف هر یک از ساخت‌های ظروف منتخب در قرآن کریم بر اساس تحلیل معناشناسی واژگانی، صرفی و نحوی چه بوده و آیا تمامی این ویژگی‌ها در ترجمه آن، پرورش و باز آفرینی شده است؟ لذا با روش توصیفی-تحلیلی به استخراج برخی آیاتی که در آن «بین» به کار رفته

<sup>۱</sup>انشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان [goli.malekabadi@gmail.com](mailto:goli.malekabadi@gmail.com)

<sup>۲</sup>استادیار گروه الهیات دانشگاه اصفهان [shokrani.r@gmail.com](mailto:shokrani.r@gmail.com)

<sup>۳</sup>استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان [Ibnorrasool@Yahoo.com](mailto:Ibnorrasool@Yahoo.com)

است، پرداخته، ضمن بررسی ساختار نحوی آن معنای این نقش نحوی را با توجه به سیاق و آراء نحویان و مفسران مشخص نموده، و با بررسی گزیده ترجمه های قرآن کریم، به برابری آن در زبان فارسی می پردازد.  
تا آن جا که بررسی شد، هیچ پژوهش مدونی در مورد درباره ساخت های مختلف «بین» در قرآن و معادل یابی آن در زبان فارسی یافت نشده است. و در حد اطلاع نگارنده کتاب یا مقاله مستقلی، به نحو کامل و دقیق به تحلیل مباحث معناشناسانه «بین» پرداخته اند. در این مجال در مورد ظرف «بین» و معنای آن در آیات سخن گفته و برخی ساختارهای آن را نیز به دقت موشکافی کرده تا به ژرفای معانی قرآن و زیبایی ساختاری آن رهنمون شویم، زیرا به قول سیدقطب: "ما می توانیم بعد از آنکه سخن را در میدان گسترده تعبیر و بیان اختصاص دهیم، از این میدان فراتر رفته [...] آن جمال فنی خاص را تماشا کنیم" (۱۳۵۹: ۴۲).

**۲. ظرف و انواع آن :** این پژوهش با این نگاه به علم نحو که معنا را باید در تحلیل صورت های نحوی لحاظ نمود، انجام می گیرد، ظرف (مفعول فیه) در اصطلاح نحوی اسمی منصوب و متضمن معنای "فی" است که بر زمان و مکان وقوع فعل دلالت می کند. "الظرف وقت أو مکان ضمنا فی" (ابن عقیل، ۱۹۷۲م. ۱: ۴۰۸). در فارسی قید زمان محسوب می شود. گاه نقشهای متنوعی می پذیرد، که متصرف نامیده می شود. گاه غیر متصرف بوده، فقط در نقش مفعول فیه بکار میرود و ممکن است به صورت مجرور بعد از حرف جر «فی» نیز ظاهر شوند که با ظرفیت فاصله ای نداشته و هنوز معنای زمان و مکان در آنها نهفته است.

**۳. معناشناختی واژه ها:** «زبان نوعی رفتار انسانی است که دارای طرح است ... مجموعه روابط و الگوها یا طرحهای حاکم بر مواد صوتی، زبان نامیده میشود» (باطنی، ۱۳۶۴: ۶ - ۷). زبان یکی از ضرورت ها و ویژگی های اجتماعی انسان بوده و ترجمه هم عبارت است از «برگرداندن نوشته یا گفته های از زبانی به زبان دیگر و مطلوبترین نوع این انتقال این است که هیچ بخشی از صورت و معنی از بین نرود» (پورجوادی، ۱۳۷۰: ۳۷) پس ترجمه خوب مستلزم آشنایی کافی با زبان است و برای ترجمه قرآن مجید گزیری از تسلط بر زبان عربی نیست «زیرا تکمیل مطالعات زبان عربی بدون استفاده از مسائل زبانی که قدما به خوبی آن را توصیف و تحلیل کرده و نظریات مفیدی پیرامون آن ارائه کرده اند، امکانپذیر نیست» (زکریا، ۱۳۷۸: ۱۵).

پایه گذار پژوهش های زبانشناسی مطالعات واژه شناسی یا بررسی چگونگی پیدایش، رشد و گوناگونی، معنا و نیز کارکردهای گوناگون واژه است، که معانی واژگان و نشانه های آوایی و صرفی و نحوی آنها را شرح داده، زبان را بر پایه علمی دقیقی قرار می دهد. البته استمداد از فرهنگ های لغت قرآنی هر چه نزدیکتر به عصر قرآن ضروری است؛ چه آن که دامنه این علوم در دوره های بعد «روز به روز به تناسب گسترش علوم و معارف گسترش یافته و دانش ها و اندوخته های علمی خویش را نیز با خود به همراهی آوردند» (معرفت، ۱۳۷۹، ۱: ۳۹۴).

**۴. معنای واژه در لغت:** زبان عربی دریای بی کرانه ای است که واژه های آن احتمال چندین معنای متفاوت را دارد، و برای درک معنی نکات بسیاری را باید در نظر گرفت. مهم ترین گام ترجمه نیز، فهم معنای دقیق واژه های قرآن است؛ چه واژه ها، از مهم ترین کلیدهای تسلط بر قرآن و گذرگاه کاوش و پژوهش در ترجمه قرآن بوده، رسالت بزرگ انتقال مفاهیم را از عرش به فرش دارند. نوع واژگان و چینش خاص آنها مفهوم را به شنونده منتقل می کند. فارابی گوید: «لا سبیلَ اِلی عِلْمِهِ وَاذْرَاکِ مَعَانِيهِ اِلَّا بِالتَّبَجُّرِ فِي عِلْمِ اللُّغَةِ» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۳: ۸۰)؛ جز با مهارت در علم لغت، راهی برای دانش قرآن و فهم معنای آن نیست.

**۴-۱. «میان و وسط»:** واژه «بَیْن» برای تَخَلُّل میان دو چیز یا وسط آنها و برای حدّ فاصل میان دو چیز وضع شده، (راغب، ۱: ۳۲۸) و در فرهنگ عمید به معنای میان و وسط (عمید، حسن، ۱۳۸۹: ۲۵۹) آمده است.

۴-۲. «دوری و جدایی و انفصال»: «فالبین الفراق». (ابن فارس. ۱۹۹۱م. ماده بین). بین: جدایی؛ عرب به چاه عمیق «البیون» و به تکه ای از زمین تا چشم کار می کند «البین» می گوید، که همه حاکی از دوری و جدایی و انفصال است. در واقع: بان کذا- یعنی جدا شد، و هر چه از او پنهان بود ظاهر شد و چون معنی جدا شدن و آشکار شدن دارد در مورد هر چیزی که جدا و منفرد است به کار می رود.

۴-۳. «آشکاری و وضوح»: بین...بعد الشیء و انکشافه...أبان: أتضح و انکشف". (ابن فارس، ۱۹۹۱. ۴: ۴۶۱) بین دوری و کشف و برملا شدن چیزی است و أبان یعنی واضح و آشکار شد. "بان الأمر یبین فهو بین، ...بمعنی الوضوح و الانکشاف، (فیومی. ۲: ۷۰): موضوع آشکار شد و می شود، پس آن، آشکار است. ترجمه برداشت شده از هر واژه دقیقاً منوط به "برداشت روانی افراد از آن واژه و موقعیت خاصش در جمله می باشد، و نیز به سنجش دلالت الفاظ و معانی روانی آن بر افراد در حوزه های رفتاری متفاوت برمی گردد" (نگر: عمر. ۱۳۸۶: ۴۴). و شاید به همین دلیل است که عبد القاهر نیز شرط زیبایی را این می - داند که الفاظ از آن چیزی باشد که مردم در استعمالشان با آن آشنا بوده و در زمانشان متداول باشد (نگر: برکات. ۲۰۰۰م: ۲۴۳).

۴-۴. «جدایی» و «آشکاری»: بسیاری از کتب لغت معنای «جدایی» را برای این واژه آورده اند: "البین: الفراق". (ابن منظور. ۱۴۰۸ق. ۱۳: ۷۰)، و معنای «وصل» را نیز به موازات آن ذکر کرده اند: البین: الفرقة، ...والوصل، (فراهیدی. ۱۴۱۰ ق. ۸: ۳۸۱) و بین با یک ریشه یکسان دو معنای متفاوت را می رساند، جدایی و آشکاری؛ (ابن فارس. همان) پس این واژه در اصل متحمل دو معنای متضاد است. واژه هایی که دارای دو معنای متضاد در یک لفظ واحد هستند؛ را از اضداد در یک کلمه یا "ذوات المعنیین فی لفظ واحد" می دانند (دکرمنجی، ۲۰۰۵م: ۲۸۰ و المنجد: ۱۹۰) این واژه در آن واحد می تواند هم بر جدایی و هم بر وصل دلالت کند؛ البین: الفراق، و البین: الوصل، و هو من الأضداد. (مصطفوی. ۱۳۶۰. ۱: ۳۶۶) (البین) بالفتح من الأضداد یطلق علی الوصل و علی الفرقة (فیومی. ۲: ۷۰): بین از اضداد است و بر وصل و فراق اطلاق میشود.

\* **رابطه جدایی و دوری با آشکاری و وضوح:** با اینکه معانی مختلف یک واژه تقریباً بنحوی با هم متناسب اند، چرا میان این دو معنا (جدایی و آشکاری) ظاهراً هیچ تناسبی به نظر نمی رسد؟ از نظر نگارندگان، واقعیت امر چیز دیگری است؛ یعنی معنای حقیقی «بین» این است که به واسطه تفاوت و امتیاز قائل شدن، پرده از امری برداشته شود و آن کار غیر آشکار بعد از ابهام و سر بسته بودن، با جدا کردن و تفصیل نمودن، واضح و روشن گردد؛ پس در واقع نه معنای دوری صرف می دهد و نه معنای وضوح محض، بلکه هر دو معنای ذکر شده به دیگری منوط است، و کاملاً جدا و مستقل نیست؛ پس «بین» بر وضوح مبتنی بر تمیز و جداسازی دلالت دارد، و گواه این مدعا این گفته است:

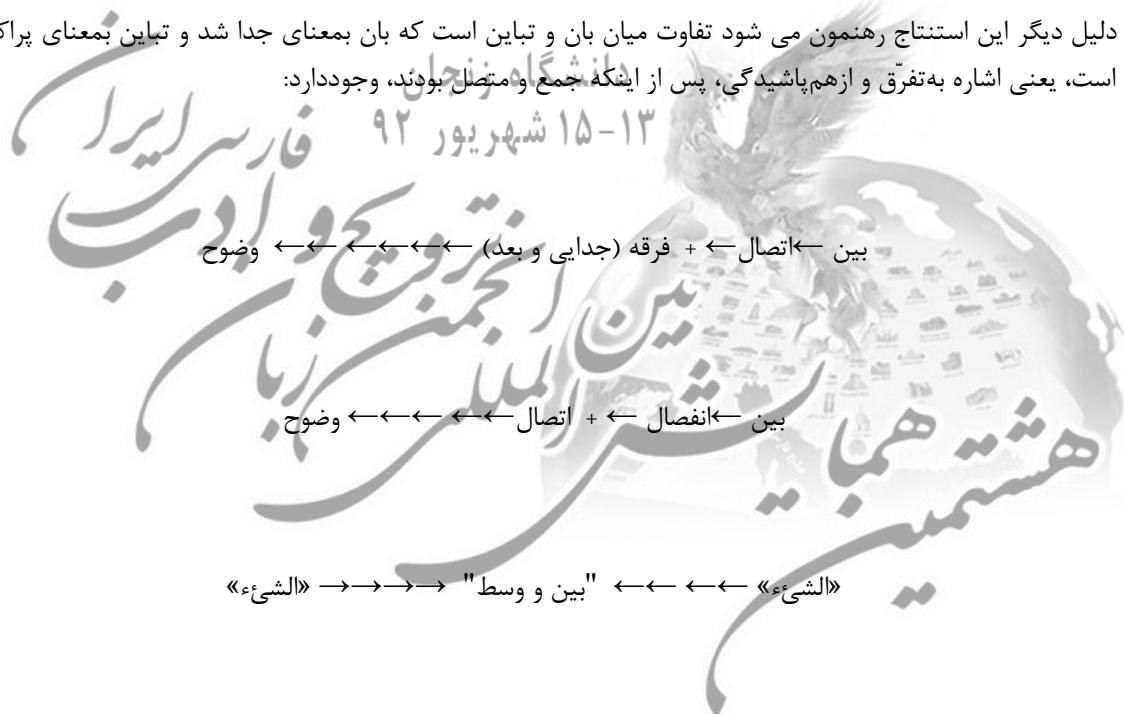
"فالبین مصدر یدلّ علی الانفصال و البعد ثمّ الانکشاف و الوضوح، ثمّ جعل اسماً یدلّ علی ما تحصل من الانفصال، من البعد المتحقّق للشیء" (مصطفوی. ۱۳۶۰. ۱: ۳۶۶)؛ «بین» مصدری است که بر جدایی و دوری، سپس پرده برداری و روشنی دلالت می کند؛ سپس اسمی شده که دلالت می کند بر آنچه از جدایی و از دوری پیش آمده برای یک چیز حاصل شده است. أبان/بیین/تبیین/استبان، نیز همگی بمعنای آشکار شدن است.

\* **رابطه آشکاری و وضوح با «میان» و «وسط»:** دوری برای یک چیز هم نامحدود و بی حد است، هم امری مبهم و سر بسته؛ از طرفی شأن این ماده لغوی حکم می کند که بر وضوح و ابهام زدایی دلالت کند، پس به صورت مضاف بیان می شود و به دو چیز منسوب می شود و دوری و فاصله و تفاوت میان آن دو را بیان می کند، لذا مفهوم و معنای وسط و میان از آن فهمیده می شود؛ لذا باید آن را دائماً به صورت مضاف ذکر کرد.

\*\*\* رابطه معنای آشکاری و وضوح، جدایی و دوری، «میان» و «وسط» با معنای وصل و اتصال: در مورد معنای امتیاز و جدایی و فاصله به تفصیل سخن رانیدیم، و برای افاده معنای وسط و میان نیز با توجه به فاصله بین دو شیء استدلال آوردیم؛ اما اینکه چگونه می توان از این واژه برداشت معنای اتصال و به هم پیوستگی را - که معنای متضادی محسوب می شود - توجیه نمود، منوط به تدقیق نظر در ظرافت های زبان است.

همانگونه که گاه آشکاری و وضوح منوط به انفصال و جدایی است، بسیار رخ می دهد که این روشنی و ابهام زدایی در پی اتصال و کنار هم گذاشتن و انسجام بخشیدن امور حاصل می شود؛ شاید واژه «بیان» نیز با همین استدلال مرتبط باشد، چون پس از اینکه تفاوت های میان واژگان لحاظ گردید و کلمات متناسب مفهوم مورد نظر گزینش شد، در مجموعه ای منظم و بدیع به رشته نظم و تحریر درمی آید تا به هم پیوستگی و اتصال آن تبیین و روشنی را به ارمغان آورد. "أما معنی الوصل: ففی مورد یتوقف التبیین علی الفصل ثمّ الوصل، کما فی البیان بمعنی الفصاحة... من استخراج کلمات ثم وصلها ونظمها بالنسق البدیع". (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۶۸).

دلیل دیگر این استنتاج رهنمون می شود تفاوت میان بان و تباین است که بان بمعنای جدا شد و تباین بمعنای پراکنده شد است، یعنی اشاره به تفرق و از هم پاشیدگی، پس از اینکه جمع و متصل بودند، وجود دارد:



۵. **بین در نحو:** ظرف در انواع مختلف جمله، جایگاه ویژه ای دارد. گاه نقشهای متنوعی می پذیرد، که متصرف نامیده می شود. گاه غیر متصرف بوده و فقط در نقش مفعول فیه به کار می رود از نظر دیگر گاهی این ظروف مبنی است، گاهی معرب؛ و هر کدام از موارد یاد شده در ساختهای متفاوت جملات، ترجمه های خاص خود را دارد؛ علاوه بر اینکه سیاق سخن نیز به تفاوت این ترجمه ها دامن می زند؛ لذا در ارائه ترجمه دقیق از آیات باید همه جوانب مختلف را به دقت سنجید. «بِئِنَّكُمْ» مضموم (باضمه نون) در آیه «لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ» (۹۴/انعام) آن را اسم و فاعل «تَقَطَّعَ» قرارداده یعنی «وصل و جمع شما» پاره شد و «بِئِنَّكُمْ» مفتوح (با فتحه ن) آنرا ظرف قرارداده و معنی آنست که رابطه میان شما قطع گردید (راغب، ۱: ۳۲۸).

۵-۱. **اسم معرب، یا ظرف مبنی:** از نظر قواعد زبان عرب، واژه «بین» گاهی اسم بمعنای وصل یا فصل و گاهی ظرف بمعنای وسط دو چیز است؛ " (بَيْنَ) الْبَلَدَيْنِ (بَيْنَ) أَى وَسَطَهُمَا تَبَاعَدًا بِالْمَسَافَةِ. " (فیومی، ۲: ۷۰): میان دوشهر فاصله است؛ که «بین» اولی ظرف (بمعنی میان) و «بین» دومی اسم (بمعنی فاصله) است؛ این کلمه در هنگام ظرف، مبنی بر فتح است و چون اسم استعمال شود مانند سائر اسماء معرب باشد (قرشی، ۱۳۷۱: ۱: ۲۵۶).

۵-۲. **ظرف مکان یا زمان:** اصل «بین» باید برای ظرف مکان باشد، ولی بر حسب مضاف الیه آن گاهی بر زمان هم دلالت دارد، مانند سخن عرب: «بین المغرب و العشاء یفعل الله ما یشاء» بین زمان مغرب و عشاء خداوند هر آنچه را خواهد انجام می دهد (نگر السیوطی، ۱۳۲۷، ۱: ۲۱۱)؛ در اقرب الموارد آمده است: «بین» ظرفی است که به صورت ظرف زمان و مکان بکار می رود، و هرگاه به مکان اضافه شود ظرف مکان است: (فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ ص/۲۲) (که بین: ظرف مکان یعنی در حضور و در میان، و مفتوح است. راغب. ۱: ۳۲۸).

۵-۲-۱. **دلالت بین بر زمان در قرآن:** نمونه های دلالت «بین» بر مکان در قرآن فراوان است، علیرغم اینکه گفته شده که از قرآن مجید برای ظرف زمان مثلی پیدا نشد (قرشی. ۱۳۷۱. ۱: ۲۵۵). ولی حقیقت این است که چنان که نیک بنگریم متوجه خواهیم شد که برخی آیات شریفه خلاف این مدعا را اثبات می نماید:

#### الف) بین به معنای زمان قبل آنها:

﴿وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا﴾ (الفرقان/۳۸) مسلم است که مقصود آیه اقوامی است که در زمان های ما بین این اقوام یاد شده زندگی کرده اند. شاهد این سخن نیز بسیاری از ترجمه های قرآن است که «بین ذلك» را دال بر زمان ترجمه کرده اند؛ از آنجا که یکی از رسالت های نقد ترجمه، بررسی علل واژه گزینی مترجم است (حدادی، ۱۳۷۲: ۱۰۵) ظرف زمان بودن بین در این آیه استنتاج می گردد، به عنوان نمونه *حجّة التفاسیر* آورده است: "و اقوام بسیاری را که بین موسی و نوح بودند" و خسروی نیز این گونه ترجمه نموده است: "و اقوامی بسیار در فاصله بین (قوم نوح و عاد و ثمود تا اصحاب رس) راهلاک ساختیم".

گرچه گاه در ترجمه قرآن کریم به عنوان کلام وحی و معجزه الهی، برخی واژه ها تفسیر میشوند (نبراق، ۱۴۰۳ق: ۷۳)، لیکن بدیهی است این شیوه ترجمه (ذکر زمان بین آنها) مستنتج از تفسیر نیست؛ بلکه ترجمه ای وفادار به متن و آشنا به مباحث نحوی است، چرا که دلالت غالبی «بین» بر زمان را می توان به راحتی اثبات نمود و با توجه به مطالبی که ذیلا (تحت عنوان «دلالت غالبی بین بر زمان») آمده است، این سخن روشن تر خواهد شد.

﴿وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾ (مریم/۶۴)

(پس از تأخیر وحی، جبرئیل به پیامبر عرض کرد:) ما جز بفرمان پروردگار تو، نازل نمی شویم؛ آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو می باشد، همه از آن اوست؛ و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده (و نیست)؛ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ (مریم/ ۶۴) آیه از تأخیر در نزول وحی و اذن آن در زمانی که اراده خداوند قرار بگیرد، سخن می گوید؛ این نیز مثالی قرآنی است که «ذلك» بر زمان گذشته و آینده دلالت میکند. و گواه این مدعا نیز اکثر تفاسیر و ترجمه های قرآنی است که صراحتاً به زمان گذشته و آینده و قبل و بعد اشاره کرده اند، در این میان می توان از ترجمه های الهی قمشه ای، پور جوادی، برزی، انصاریان، روشن، سراج، فولادوند، و تفاسیر جوامع الجامع، روض الجنان، حجه التفاسیر، و تفسیر آسان نام برد.

ب) «بین یدی» به معنای زمان قبل آنها: «لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَ لَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ» (۳۱/ سباء) هرگز به این قرآن و به (انجیل) که پیشتر از قرآن آمده است، ایمان نخواهیم آورد. یا صریحاً در آیه "مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ" (الصف/۶) تورا را که قبل از/نجیل بوده، با بین یدی بیان شده، در مقابل رسول بعدی، أحمد قرار داده است. می توان مثال های قرآنی دیگری همچون این آیه شریفه را به عنوان دال بر زمان دانست، که در این مجال بدان نمی پردازیم.

۲-۲-۵. دلالت غالبی بین بر زمان: برخلاف تصور رایج مبنی بر دلالت غالبی آن بر مکان، معنای زمان در «بین» غالب تر است و بیانگر این ادعا نیز اختصاص دلالت «بینا» و «بینما» بر زمان آینده است، که «ا» و «ما» بین را بمنزله «حین» و مختص زمان مستقبل می‌نماید و اگر چنین نبود، این اختصاص از آن بر نمی‌آمد.

۳-۵. ظرف دائم الإضافة: از آن روی که بین برای مشارکت و توسط و میانه است، مسلماً باید این ظرف به صورت مضاف (و نه غیر مضاف) استعمال شود: "بین: کلمه تنصیف و تشریک، حقها آن تضاف الی اکثر من واحد" (مصطفوی. ۱۳۶۰. ۱: ۳۷۰)؛ در واقع این ظرف اگر از اضافه خارج شود، معنای متفاوتی به خود می‌گیرد. لذا هنگام ترجمه حتماً باید به مضاف الیه آن توجه کرد و نیز به دلالت آن بر زمان یا مکان یا ویژگی خاص دقت نمود.

۱-۳-۵. مضاف الیه بین: «بین» آنجا بکار می‌رود که دارای مسافت باشد یعنی چیزی که مسافتی فاصله داشته باشد: بین-البلدین و «و السحاب المَسْحَرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (بقره/۱۶۴) و یا دارای عددی از دو یا بیشتر باشد: "بَيْنَ الْأَخْتَيْنِ" (النساء/۲۳) و "بَيْنَ النِّسَاءِ" (النساء/۱۲۹). اضافه شدن به دو یا بیشتر، دارا بودن مسافت و فاصله، عدد و معنای کثرت از ویژگی های مضاف الیه بین است.

۲-۳-۵. بیان مضاف الیه «بین» بصورت مفرد و اراده دو یا بیشتر از آن: لفظ «بین» دارای ابهام است و این ابهام تا قبل از ذکر مضاف الیه آن بر طرف نمی‌گردد؛ پس معنایش روشن نمی‌شود مگر با اضافه بین به مضاف الیه‌ی که مهمترین ویژگیش دلالت بر بیش از یک نفر (مثنی یا بیشتر) است، حتی اگر مفرد ذکر شود؛ "بَيْنَ ظَرْفٍ مِنْهُمْ لَا يَتَّبِعُنَّ مَعْنَاهُ إِلَّا بِإِضَافَتِهِ إِلَى اثْنَيْنِ فَصَاعِدًا أَوْ مَا يَقُومُ مَقَامَ ذَلِكَ" (فیومی. ۲: ۷۰): بین ظرف مبهمی است که معنایش جز با اضافه کردن آن به دو مورد و بیشتر از دو، یا آنچه در جای آنها واقع شود، آشکار نمی‌گردد.

۱-۲-۳-۵. اطلاق لفظ مفرد بعد از «بین» و اراده مثنی یا جمع از آن: گاهی پس از «بین» لفظی که بر مفرد دلالت می‌کند را اطلاق، و از آن اراده مثنی نموده‌اند؛ در آیات قرآن این شیوه استعمال در دو شکل تبلور یافته است:

«بین + أحد» و «بین + ذلک»

و البته این دلالت به راحتی از سیاق کلام هویدا است:

\*لَا تَفْرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (البقره/۱۳۶)

\*لَا تَفْرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ (البقره/۲۸۵)

\*لَا تَفْرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (آل عمران/۸۴)

در این سه آیه «عدم تفریق بین احد من رسله» بیان شده و در آیه بعدی ضمیر «رسل» یعنی «سه» آمده است:

\*وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يَفْرُقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ (النساء/۱۵۲)

علیرغم دلالت «أحد» بر مفرد مسلماً مقصود آیه از یکی از پیامبران، جمیع ایشان است و لفظ مفرد و منظور جمع است.

۱-۲-۳-۵-۱. «بین + ذلک» در حکم مثنی: این امر - که از "ذلک" مثنی مستفاد گردد - در ادبیات عرب امری رایج است، دقیقاً عین همین عبارت سابق (إِضَافَتِهِ إِلَى اثْنَيْنِ فَصَاعِدًا أَوْ مَا يَقُومُ مَقَامَ ذَلِكَ) که در آن "ذلک" به "اثْنَيْنِ فَصَاعِدًا" اشاره دارد و نیز این شعر:

إن للخير وللشر مدى  
و کلا ذلک وجه و قبل

خوبی و بدی نهایی دارند که بدان منتهی می‌شوند، و هر یک از آنها (خوبی و بدی) را جهت و حجتی واضح است (ابن

عقیل. ۱۴۲۷ق. ۲: ۶۰).

منظور هر دوی آنها بوده، "ذلک" که بر مفرد دلالت می کند را اطلاق کرده و از آن اراده مثنی نموده است؛ قیل: أرادوا کلا ذینک، فأطلق المفرد و أراد به المثنی، (البحر المحيط فی التفسیر، ۱: ۴۰۷)؛ همانند این آیات که با ساختارهای متفاوتی ذکر شده است:

۵-۳-۱-۱-۱. «بین + ذلک در حکم مثنی مسبوق به ۲ اسم معطوف با رایحه نفی سابق» یا دو صفت منفی متضاد واجب التکرار مقدم:

\* إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ (البقرة/۶۸)

\* وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (الإسراء/۱۱۰)

\* وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (الفرقان/۶۷)

با اندک دقتی مشخص می گردد اسلوب ساختاری جملات، «بین + ذلک در حکم مثنی مسبوق به ۲ اسم معطوف با رایحه نفی سابق» است، به دیگر سخن دو صفت منفی متضاد مقدم شده و پس از آن بین ذلک آمده است.

اگر سؤالی پیش آید که چرا «بین» پس از این تکرار صفات منفی آمده است؟ جواب این است که چون این تکرار اصولاً مستلزم نفی دو صفت متضاد می باشد، بدیهی است به اثبات یک صفت دیگری که اکثراً ما بین دو صفت قبلی و حد اعتدال آنهاست می انجامد.

با دقت در این سه آیه متوجه می شویم که اسلوب حاکم بر این آیات ذکر دو صفت متضاد و سپس آوردن بین ذلک بمعنای حد وسط یا ما بین آنهاست و اصلاً می توان بین ذلک را اصطلاحی تأکید کننده برای اعتدال و حد وسط دانست؛ چرا که «عَوَانٌ» در «عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ» و «قَوَامًا» در «بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» هر دو به معنای میانه و وسط است و در «بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» نیز بطور مشخص صفت وسط یا معتدلاً محذوف است. و این که اسلام دین اعتدال و میانه روی است و تأکید دارد که امه وسط داشته باشد، با اینگونه تأکیدات بیش از پیش روشن می گردد.

۵-۳-۱-۱-۲. «بین + ذلک در حکم مثنی مسبوق به ۲ اسم معطوف با رایحه نفی لاحق یا دو صفت منفی متضاد واجب التکرار موخر:

\* مُدْبِذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَّا إِلَى هُوَٰلَاءِ وَلَا إِلَى هُوَٰلَاءِ (النساء/۱۴۳) آیه حاکی از دو دلی منافقین و تردد آنها بین دو راه حق و باطل است. پس بین ذلک به معنای «معتدل» نیست بلکه به معنای «مردد» است. به دیگر تعبیر شاید بتوان گفت که در الگوی سابق وجود ویژگی هایی از دو طرف نفی شده مشاهده می شد و در اینجا بر اساس ماهیت ایمانی عدم آن ویژگی ها برداشت می شود چرا که ایمان حالت بینابین ندارد، یا کفر محض یا ایمان محض است.

۵-۳-۱-۱-۳. «بین + ذلک در حکم مثنی مسبوق به ۲ اسم معطوف بدون رایحه نفی یا دو صفت متضاد مقدم:

\* لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ (مریم/۶۴): آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو می باشد، همه از آن اوست.

۵-۳-۱-۱-۴. «بین + ذلک در حکم جمع مسبوق به چند اسم معطوف

\* وَعَادًا وَتَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا (الفرقان/۳۸) مسلم است که مقصود آیه از «قُرُونًا» بَيْنَ ذَلِكَ اقوامی است که در زمان های ما بین این اقوام یاد شده زندگی کرده اند، و ذلک معنای اولئک دارد.

در حقیقت اینگونه نیست که «بین» فقط بر زمان یا مکان دلالت داشته باشد؛ بلکه یا بر مکان یا زمان یا صفت و حالت دلالت دارد؛ و در «وَعَادًا وَتَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا (الفرقان/۳۸)» تأکید قرون بر زمان است ولی تأکید عوان و قوام و سبیل (با صفت محذوف وسطاً) و مذبدبین (مردد نه معتدل) بر صفت و حالت است که مبادا با مکان و زمان التباس پیش آید.

بین ذلک در این آیات:

\* إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ (البقرة/۶۸) می توانست حمل بر مکان گردد ولی با آوردن عوان ابهام برطرف گردیده و منحصرًا دلالت بین بر ویژگی میان فارض و بکر را می رساند.

\*وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (الإسراء/۱۱۰) برخی مفسرین منظور را صلاة لیل و نهار دانسته اند و با ذکر سبیل (وسطا) بر حالت بین تجهر و تخافت تاکید می شود نه زمان بین آنها.

\*وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (الفرقان/۶۷) قوام حالت بین یسرفوا و یقتروا است و ظرف إذا تأثیری بر دلالت آنها بر زمان ندارد.

\*مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ النساء/۱۴۳) الی بیانگر انتهای غایت مکانی است، و ذکر مذذبین دلالت بین را مختص حالت و صفت منافقین می کند نه جای و مکان آنها.

\* لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ (مریم/۶۴): از آنجا که بین آیدی و خلف بیانگر زمان هستند و آیه از تاخیر در نزول وحی و اذن آن در زمانی که اراده خداوند قرار بگیرد، سخن می گوید، واضح است که ذلک بین را مختص دلالت بر زمان می کند، و برای همین نیز از ذکر واژه ای دال بر حالت (همانطور که در آیات قبلی اشاره گردید) اعراض شده است.

در اینجا برای نمونه یکی از این آیات شریفه را بررسی و اقوال معربین و مفسرین را در آن بیان نموده، سپس ترجمه های ارائه شده از این آیه شریفه را به نقد و بررسی خواهیم نشست:

\* إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ (البقرة/۶۸)  
چنین آیاتی هنگام ترجمه بین ذلک باید بر اساس حکم نحوی حتماً به صورت بین آن دو یا آنها ترجمه گردد: عوان: تفسیر لما تضمّن قوله: لا فارض و لا بکر. (اندلسی. ۱۴۲۰ ق. ۱: ۴۰۸)

\*ترجمه فارسی قرن دهم هجری: گاوی است نه پیر و نه جوان میانه‌جی است میان فارض و بکر أنت مذکور. می بینیم بیشتر مترجمین همچون ترجمه نسفی الهی قمشه ای، فیض الإسلام، مکارم، طبری، دهلوی و پاینده که ضمن آشنایی کافی با دستور زبان عربی، به دقت در پی رعایت اصول ترجمه و انطباق ترجمه خود با اصول صرفی و نحوی بوده، به استعمال «بین» در زبان عربی نیز توجه کافی داشته، و «بین ذلک» را در این آیه به درستی (میانه این دو) ترجمه کرده اند، لیکن از ترجمه واژه «عوان» (میانسال) بازمانده اند؛ و این قضیه در تفاسیر نیز نمود دارد:

عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ ... میان آن دو - فارض و بکر - است (مترجمان. ۱۳۶۰، ۱: ۲۱۱)  
باید ماده گاوی باشد که نه پیر و از کار افتاده و نه بکر و جوان بلکه میان این دو باشد» (بابایی. ۱۳۸۲، ۱: ۸۷)  
آن گاوی است که نه پیر باشد و نه جوان جوان بلکه میان این دو باشد (طیب. ۱۳۸۷، ۲: ۵۶)

برخی ترجمه ها نیز به مفهوم واژه ها بیشتر از مدلول ظاهری آیه توجه داشته‌اند، همان گونه که در ترجمه آیتی و خواجوی و طاهری رخ داده است و فقط «میانسال» را ذکر کرده اند و از ترجمه بَيْنَ ذَلِكَ غافل مانده اند؛ مشخص است که مترجم «با یک حرکت بر مضمون اصلی و معنی می جهد، نقش متن اصلی را به طور شمی تعیین می کند و هر آنچه از متن برگرداندنی است برمی گرداند، با همه طنین و تداعیهایش، با چیزی نو و کاملاً متفاوت، ... که همان تأثیر اصل را بر خواننده بگذارد» (گنترلر. ۱۳۸۰: ۱۳۱).

ترجمه آیه شریفه در اینجا باید به شکلی باشد که مخاطب خود بتواند از ترجمه ی "ما بین آن دو (ذلک)" به مفهوم و مقصود آیه دست یابد و یا اینکه دچار ابهام شده، سراغ تفسیر برود، نه اینکه صرفاً مفهوم را ترجمه کرد و به جای دو اصطلاح «عوان» و «بین ذلک» فقط مفهوم آن دو یعنی (میانسال) را عنوان کرد که یا ترجمه «عوان» است یا مفهوم بر آمده از «بین ذلک» که در هر دو صورت از وفاداری به ترجمه یکی از این دو اصطلاح جا مانده اند. و نیاز است از ترجمه هایی چون فولادوند که ترجمه ای وفادارتر را ذکر کرده است: "میانسالی است بین این دو" الگو پذیری شود که در آن ترجمه دقیق هر دو "عوان بین ذلک" (میانسال و بین آن دو) شود. بخصوص اینکه در تعبیر به عوان نیز ظرافت‌هایی وجود دارد:

\*علت تصریح به عوان ارزشمند بودن این نوع بقره (گاو) است:



در آیه شریفه عبارت بَقْرَةَ لَا فَارِضَ وَ لَا بَكْرٌ خود به مفهوم میانسال تاکید دارد، از طرفی عبارت بعد آن بَيْنَ ذَلِكَ، نیز این تاکید را قوت بیشتری بخشیده است، پس حکمت تصریح به عوان چه بوده است؟ چرا ابتدا کلام را در بکر به پایان می‌رساند، و باز از سر می‌گیرد و عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ را بیان می‌کند؟

باید دانست که هر بسیار جوانی، به دلیل ناآزمودگی و کم تجربگی دچار خطاها و هفوات می‌گردد و علیرغم اینکه توان جسمی و جوانیش از همه بالاتر است، اما چون روش بهره‌وری از این نیرو را بخوبی ندانسته در اثر خامی و ناپختگی کمتر می‌تواند از عهده اکمال کار به نحو احسن برآید و هنوز نیاز به ممارست و تکرار بیشتری دارد، که: کار نیکو کردن از پر کردن است؛ لیکن، فرد میانسال و متوسط با دو بازوی توان و تجربه، بهترین عون و یاور در انجام امور است که: «خیر الامور اوسطها» پس ذکر عوان در این آیه شریفه می‌تواند علاوه بر تاکید بر میانسالی، کنایه از نیک و با ارزش بودن این بقره برای انسان باشد، و ارزشمندی آن در اینکه با ذبح آن امتثال امر خداوند در معجزه احیاء یک انسان، بیشتر متبلور می‌شود.

ابن عباس میگوید: منظور از «عوان» حدّ متوسط میان بزرگ و کوچک میباشد که از نظر نیرو و زیبایی بهترین فصل گاو و سایر جنبندگان است (مترجمان. ۱۳۶۰، ۲۱۱:۱). آی فی حدّ المتوسط و الاعتدال فیما بین مسنّ و فتی، و هو حدّ کونه عونا لصاحبه. و فی التعبير بالعوان: اشاره الی حدّ توسط السنّ، و الی کونه ذا قیمة فی نفسه من جهة کونه متصفا بالعونیه فی ذاته، (ابن منظور. ۱۴۰۸ق، ۱۳: ۲۹۸): در حدّ توسط و اعتدال که زمان یآوری صاحبش می‌باشد و اینکه فی نفسه گاو ارزشمندی است؛ یعنی در تعبیر به عوان دو مطلب نمودار است:

الف. میانسال بودن

ب. بهترین سن ارزشمندی گاو از لحاظ کاربری و یاور بودن برای صاحب خود

**۶. معناشناختی بین:** حوزه معنایی در معناشناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اشتراک در یک شرط لازم، سبب طبقه‌بندی واژه‌ها در یک حوزه معنایی می‌گردد، که اعضای یک حوزه معنایی، واحدهای یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند؛ و چنین واحدهایی به دلیل ویژگی مشترکشان هم حوزه به حساب می‌آیند. (نگر: صفوی، ۱۳۸۳: ۱۸۹ - ۱۹۰)؛ برای مثال واژه‌های بین، میان و وسط، همه در جهت دلالت بر مکان وسط مشترکند؛ از این جهت می‌توان آنها را در «حوزه معنایی ظرف مکان درون بودن» جای داد؛ ولی مثلاً واژه «وسط» به دلیل نداشتن چنین ویژگی در این حوزه معنایی خاص جای ندارد.

ساخت به معنی واحدهایی است که یا کنار هم و یا به جای هم قرار می‌گیرند. انواع روابط ساختاری در جمله دو نوع است: رابطه همنشینی و رابطه جانشینی. صورت ساده این دو اصطلاح چنین است: اگر واحدها بجای هم قرار گیرند روی محور جانشینی و اگر کنار هم قرار گیرند روی محور همنشینی هستند.

**۶-۱. بین در رابطه جانشینی:** رابطه جانشینی با مطالعه واژه‌هایی مشخص می‌گردد که بتوانند جایگزین هم شوند. مترادف‌ها در یک واژگان می‌توانند بینش‌های باارزشی در مورد روابط جانشینی یک واژه با دیگر واژگان زبان به دست دهد. اقلام واژگانی به شرطی مترادف (هم معنا) دانسته می‌شوند که بتوانند بدون ایجاد تغییری عمده در معنای جمله بجای یکدیگر قرار گیرند. (نگر: ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۹۶ و صفوی، ۱۳۸۳: ۱۰۶). در ساخت جمله رابطه جانشینی حکم فرماست و به تبع جایگزینی اجزای مختلف، جمله هم دگرگون می‌شود. مثلاً در رابطه جانشینی (من این کتاب را دیروز خریدم) می‌توان به - جای من تو، او، آن مرد و... را جایگزین کرد.

**۶-۱-۱. بین بین - در معنی وسط:** هم معنایی یا معناهای مترادف یکی از شناخته شده‌ترین روابط مفهومی است. در فرهنگ لغت هم برای نشان دادن معنای یک واژه، واژه‌هایی ذکر می‌شوند که هم معنا تلقی می‌شوند. واژه «بین بین یا بینا بین» به معنای متوسط و معتدل و حد وسط و متعادل است: "هذا الشیء بینَ بَینَ أی بَینَ الجَیدِ و الرّدى؛ ... یریدون التّوسّط" (ابن منظور. ۱۴۰۸ق. ۱۳: ۶۶): "بین خوب و بد... متوسط"؛ در واقع این واژه با «وسط» مترادف است. اما باید توجه داشت که

هم معنایی محض وجود ندارد. یعنی هیچ دو واژه ای را نمی توان یافت که در تمامی جملات زبان بتوانند بجای یکدیگر بکار بروند و تغییری در معنی آن زنجیره پدید نیاورند.

۶-۱-۲. **جانشینی بین با وسط:** آنچه می تواند در زبان عربی مترادف با «بین» به شمار آید وسط با سکون سین بر وزن و معنای بین است که از دو نظر دقیقاً با بین برابر است:

\* از نظر معنای ظرفیت که در هر دو یکی است، یعنی هر دو دلالت بر فاصله بین دو مکان یا زمان دارد.  
\*\* از نظر لفظ که هر دو دلالت بر آنچه جزء شیئی نباشد دارند، یعنی اگر «میان» از اجزاء آن نباشد و قسمتی از مضاف الیه محسوب نگردد باید از بین یا وسط به صورت ساکن الوسط ذکر شود و ظرف محسوب می شود؛ مانند: وسط القوم، برای همین است که برخلاف وسط، ملازم ظرفیت است و باید بر وزن «بین» و اکثر ظروف دیگر یعنی فعل بیاید، و همیشه ظرف غیر متصرف بوده، نقش دیگری نمی پذیرد.

۶-۱-۲-۱. **جانشینی بین با وسط و وسط:** "وسط الشيء: اسم لما بین طرفی الشيء و هو منه" (همان: ۷: ۴۲۷)، وسط وقتی می آید که میان و جزء شیء باشد و از خود شیء محسوب شود، بر خلاف «بین»: "کل موضع صلح فيه بین فهو وسط، و إن لم يصلح فيه بین فهو وسط، بالتحریک" (همان: ۴۲۹) هر جا بتوان «بین» آورد، آوردن «وسط» جایز است و اگر نتوان «بین» آورد، «وسط» می آوریم؛ پس رابطه بین «بین» و «وسط» از نوع تطابق است و رابطه میان این دو با «وسط» عموم و خصوص من وجه است، از جهت معنا تطابق دارند و از جهت استعمال تباین دارند.

البته به نظر نگارندگان این امکان در همه جا صدق نمی کند، مثلاً گر چه واژه های «گیتی، جهان، دنیا» هم معنا هستند ولی نمی توانند به طور مطلق جایگزین یکدیگر باشند؛ چرا که جهان دیده را نمیتوان با گیتی دیده و جهان بینی را نمی توان با دنیا بینی جایگزین نمود. در "وسط رأسه ضلّب" وسط سرش محکم است، چون محکم بودن وسط سر مطرح است و جزء خود سر است نمی تواند طرف محسوب شود و قابل جایگزینی با «بین» نیست، ولی "وسط رأسه دهن" وسط سرش روغن است؛ چون روغن جزئی از خود سر محسوب نمی شود، وسط به حکم ظرف بودن منصوب است و می توان بجای آن از «بین» هم استفاده نمود. "وسط رأسک ضلّب" لانه اسم غیر ظرف " (همان: ۴۳۱): میان سرت محکم است، چون «وسط» اسم است و دیگر ظرف نیست.

۶-۱-۲-۲. **وسط با حرف جر:** "وسط... کل ما کان معه حرف خفض فقد خرج من معنی الطرف و صار اسماً کقولک سیرت من وسط الدار لأن الضمیر لمن" (همان) اگر وسط با حروف جر همراه شد از ظرفیت خارج شده و اسم است و دیگر ظرف نیست؛ همین را می توان در مورد «بین» هم استنتاج کرد که همراهی آن با حرف جر باعث خروج آن از ظرفیت و ورود به ساحت اسم است.

۶-۲. **بین در رابطه هم نشینی:** رابطه ی هم نشینی یعنی رابطه ای که بر اساس ان عناصر زبانی کنار هم قرار میگیرند و زنجیره ها و سازه های بزرگتر را به وجود می آورند مثلاً در جمله ی "دوست من زبان شناسی می خواند" واژه ی "دوست" در کنار "من" گروه اسمی "دوست من" را پدید آورده است. رابطه ی هم نشینی میان واحدها در جمله ایجاد می شود که همگی مستقیماً در یک ساخت (جمله) حضور دارند، محور هم نشینی محور دستور و تجلی قواعد دستوری است و اختلال در روابط هم نشینی موجود میان واحدهای هر ساخت سبب میشود که ساخت جمله ناساز گردد. (نگر: صفوی، ۱۳۸۳: ۱۸۹ - ۱۹۰).

از آنجا که هر آیه به عنوان یک زنجیره کلامی، متصل به هم فرض شده لذا کنار هم قرار گرفتن واژگان یک معنی دارد و در کنار آن ارتباطی دیگر نیز وجود دارد که از آن به روابط جانشینی تعبیر می‌کنیم. وقتی کلمات قرآن را از نظر همنشینی بررسی کنیم مشخص می‌شود که چینش کلمات قرآن دارای ارتباط و حکمتی است و باید سعی کنیم بر اساس اصول و روش‌هایی این همنشینی را بیابیم.

۶-۲-۱. من + بین: گفتیم «وسط و بین» با اضافه شدن حرف جر از ظرفیت فاصله می‌گیرند. در حالی که ظروف دیگر اصولاً با ورود حرف جر از معنای ظرفیت خارج نمی‌شوند و فرق چندانی بین نصب به عنوان مفعول فیه آن با مجرور شدن به حروف جر وجود ندارد؛ مِنْ بَيْنِنَا در (أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا ص/۸) (أَهْوَلَاءِ مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا - الأَنْعَام/۵۳) یعنی از میان همه ما؛ زیرا بر خلاف دیگر ظروف آمدن «مِنْ» معنای «بین» را تغییر می‌دهد؛ چنانکه نیک بنگریم فرق «بین» و «مِنْ» در آیات شریفه آشکار است:

\* «تَسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبْنَا خَالِصًا» (النحل/۶۶): از شکم چهارپایان، از میان ناپاکی و خون، شیر خالص به شما می‌نوشانیم! واضح است در اینجا معنای حاصل از ورود «مِنْ» تفاوت بارزی با عدم ورود آن دارد و موجب شده که «بین» از ظرفیت فاصله گرفته و بجای معنای وسط معنای درون و داخل بدهد یا در: فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ (مریم/۳۷) دخول حرف جر معنای متفاوتی ارائه می‌دهد "گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند"؛ نیز "يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ" (الطارق/۷) آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود! لذا نباید هنگام ترجمه از ارائه برابر نهاده «مِنْ» غفلت‌ورزید و مانند دیگر ظروف (همچون قبل و بعد) نیست که در حذف یا ذکر حرف جر جواز وجود داشته باشد. عکس آن نیز در آیات زیر صادق است:

\* «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ» (البقرة/۱۱۳) خداوند میان ایشان داوری می‌کند. وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ (البقرة/۲۲۴) "تفريقاً بين المؤمنين" (التوبة/۱۰۷) مسلمان «داوری»، «اصلاح» و «تفرقه» میان مردم صورت می‌گیرد، نه از میان مردم، پس چنانچه غیر این ترجمه گردد، محتاج باز نگری است.

البته بطور یقینی می‌توان بخشی از این تفاوت را حاصل از کاربرد فعل‌های متفاوت با حرف جر خاصی و همراه با «بین» دانست، به دیگر سخن هرگز نمی‌توان در مورد فعل "يَحْكُمُ" یا "يُصَلِّحُ" یا "يُفَرِّقُ" بجای «بین» از «مِنْ» استفاده نمود.

۶-۲-۲. ذاتُ البين: در آیه (فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ - ۱/ انفال) یعنی رعایت حالات خویشاوندی، وصلت و محبتی که شما را گرد آورده است بنمائید. (مصطفوی. ۱۳۶۰. ۱: ۳۶۶)؛ (ذاتُ البين) اصطلاحی است که به غذاؤة و بَعْضَاءِ تصریح می‌کند "أى حقيقه أحوال بينكم"، (طریحی. ۱۳۷۵. ۱: ۱۵۳) و (إصلاح ذاتِ البين) نیز به معنی آشتی و فرو نشاندن همان آتش اختلاف است (لإصلاح الفسادِ بينَ القومِ و المرادُ إسكانُ الثائرةِ فيومي. ۲: ۷۰).

گاه این اصطلاح (ذاتُ البين) بدون (ذات) نیز همین کاربرد را داشته است: "أَوْ إِصْلَاحِ بَيْنِ النَّاسِ" (النساء/۱۱۴): تألیف بینهم بالمودة: با محبت آنها را الفت دادن؛ (هویدی. ۱: ۲۵۳ و طبرسی. ۱۳۷۷: ۱، ۲۸۸) و البته آن دو را به یک معنا می‌دانند (قمی. ۱۳۶۸، ۳: ۵۳۸). در واقع تأثیر متقابل واژه‌های محور همنشینی توانسته است سبب انتقال معنی واژه‌ها به همدیگر و حذف برخی از آنها شود.

۶-۲-۳. بین یدی - بین ایدی: معنای تحت‌اللفظ این ترکیب، میان‌دستها، است ولی از آن اراده نزدیکی میشود، گاه واژه‌هایی که روی محور همنشینی کنار هم هستند، بر معنای یکدیگر تأثیر می‌گذارند در چنین شرایطی درک مفهوم جمله تنها از طریق بافت موقعیتی امکان‌پذیر است. «بین یدی» را (آنچه در پیش باشد چه نزدیک، چه دور و گذشته) دانسته‌اند. امام

صادق (ع) در «اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مَا خَلْفَكُمْ» (یس: ۴۵) فرموده‌اند: بترسید از گناہانی که فعلا می‌کنید و از عقوبتی که در - پس دارید (طبرسی، ۱۳۷۷، ۲۸۸: ۱).

\* چنانکه ملاحظه شد از «بین آیدیهم» در این آیات عمل نزدیک و حاضر اراده شده ولی در آیه «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ» (مائده: ۴۶ و ۴۸) و «إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ» (الصف: ۶) و نظائر آن، کتابهای سلف و رسولان گذشته مراد است که پیش از قرآن بوده‌اند، و نزدیک و پیش رو بودن لازم نیست (قرشی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۵۷).

۷. **نتایج:** \* بررسی پیوندهای معنایی بین با سایر واژه‌های هم حوزه بر محور جانشینی و هم نشینی حاکی از پیوند معنایی عمیق بین با واژه وسط با سکون سین است. حاصل اینکه در این رابطه جانشینی هر جا که بتوان از بین به عنوان ظرف استفاده نمود از وسط با سکون سین نیز می‌توان بهره جست و هر دو به یک معنا و کاربرد هستند، لکن مفتوح بودن سین وسط معنای اعتدال و حد وسط دارد و از ظرفیت خارج است. همچنین بین به صورت ظرف به معنای میان و وسط و نیز به صورت اسم بکار می‌رود که در این حالت دو معنای متضاد وصل و فصل را دارد ولی هر دو معنا نهایتاً بر وضوح دلالت دارند.

\* از مهم‌ترین واژه‌هایی که در محور هم‌نشینی بین قرار می‌گیرد، بین‌یدی به معنای پیش‌رو، عمل نزدیک و حاضر یا کتب و رسولان سلف می‌باشد؛ ضمناً ذات‌البین اصطلاحی برای اختلاف و فساد روابط است.

\* برخلاف تصور رایج بردلالت غالبی واژه بین بر مکان، بین با زمان رابطه محکمی داشته و گاهی نیز این واژه در قرآن برای اشاره به زمان بکاررفته که ادعای عدم دلالت بین بر زمان در قرآن را مردود می‌نماید. معنای ظرفیت بین با دخول من‌جاره تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد و باید هنگام ترجمه این امر را بدقت در نظر گرفت.

\* مهم‌ترین ویژگی مضاف الیه «بین» دلالت بر بیش از یک نفر (مثنی یا بیشتر) است، حتی اگر لفظ به صورت مفرد ذکر شود؛ در آیات قرآن این شیوه استعمال در دو شکل تبلور یافته است: «بین + ذلک» و «بین + أحد»؛ از نظر مفهوم نیز بین ذلک پس از دو صفت متضاد نفی شده، به معنای اعتدال و حد وسط است. و ذکر عوان در آیه قرآن همراه با بین ذلک علاوه بر میانسالی بیان‌گر ارزشمندی این نوع گاو است.

\* هر گاه ذلک بعد از بین بیاید باید لزوم اضافه «بین» به آنچه بر دو یا بیشتر را مد نظر داشت، و «ذلک» واقع پس از آن، به صورت «آنها» ترجمه شود. شاید ترجمه دقیق‌تر همانطور که اکثر مترجمین ذکر کرده‌اند «هابین این دو مذکور» باشد؛ ولی عده‌ای از مترجمان قرآن در برخی آیات، وجوه مفهومی و تفسیری را نیز در ترجمه "بین ذلک" وارد کرده‌اند که از نظر قوانین ترجمه پذیرفته نیست.

## فهرست منابع و مأخذ

### • قرآن کریم.

- ابن عقیل، عبدالله. (۱۹۷۲م). شرح ابن عقیل علی ألفیة ابن مالک. بیروت: دار الفکر.  
ابن فارس، احمد. (۱۹۹۱م). معجم مقاییس اللغة. تحقیق: عبدالسلام هارون. بیروت: دار الجیل.  
ابن منظور، عبدالله. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف. (۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.  
ایزوتسو، توشی هیکو. (۱۳۶۰). ساختمان مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن. ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، قلم.  
بابایی، احمد علی. (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه. چاپ سیزدهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

باطنی، محمدرضا. (۱۳۶۴). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی در یک نظریه عمومی زبان*. تهران: امیر کبیر.  
پورجوادی، نصرالله. (۱۳۷۰). *برگزیده‌های مقاله‌های نشر دانش ۳*، مقاله «درباره ترجمه» از علی صلح‌جو) چ سوم،  
تهران: انتشارات مرکز دانشگاهی.

حدادی، علی. (۱۳۷۲). *مبانی ترجمه*. تهران: جمال حق  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). *معجم مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار الفکر.  
زکریا، میشل. (۱۳۷۸). *زبان شناسی زایشی گشتاری، دستور زبان عربی (جمله ساده)*. ترجمه: شهریار نیازی و  
مهین حاجزاده. تهران: دانشگاه تهران.  
السیوطی، جلال‌الدین عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۳۲۷). *همع الهوامع شرح جمع الجوامع*، ط ۱، دار المعرفة للطباعة و  
النشر، بیروت.

صفوی، کورش. (۱۳۸۳) *درآمدی بر معنی شناسی*. تهران، سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی).  
عمر، احمد مختار. (۱۳۸۶). *معنا شناسی*. ترجمه: سیدحسن سیدی. چ دوم. دانشگاه فردوسی مشهد.  
عمید، حسن. ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی عمید، ویراستار: عزیز الله عزیززاده، چاپ اول، تهران: راه رشد.  
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.  
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷) *تفسیر جوامع الجامع*. ترجمه: مترجمان، چ دوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی  
آستان قدس رضوی.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. چ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.  
طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.  
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق) *کتاب العین*، چ دوم، قم: انتشارات هجرت.  
فیومی احمد بن محمد، *مصباح المنیر*. *جامع التفاسیر*. لوح فشرده مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.  
قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. چ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامية.  
قطب، سید. (۱۳۵۹). *تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن*، ترجمه محمد علی عابدی، مرکز نشر انقلاب، همیار پخش  
انتشارات دانشمند.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. چ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات  
وزارت ارشاد اسلامی.

گنتزلر، ادوین. (۱۳۸۰). *نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر*. ترجمه: علی صلح‌جو. تهران: هرمس.  
لطفی‌پور ساعدی، کاظم و عباسعلی رضایی. (۱۳۷۳). *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه*. تبریز:  
دانشگاه تبریز.

لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). *درآمدی به اصول و روش ترجمه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.  
مترجمان. (۱۳۶۰). *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی.  
محمد برکات، حمدی أبوعلی. (۱۹۹۲=۲۰۰۰). *دراسات فی الأدب*. عمان - الأردن: دار وائل.  
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.  
معرفت، محمدهادی، و خیاط و نصیری (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران (روش‌ها و گرایش‌های تفسیری)*. قم: مؤسسه  
فرهنگی التمهید.

منجد، محمد نورالدین. (۱۹۹۹م). *الاشتراک اللفظی فی القرآن الکریم بین النظریة و التطبيق*. دمشق: دار الفکر.  
نبراق، محمد صالح. (۱۴۰۳ق). *المستشرقون و ترجمه القرآن الکریم*. بیروت: دار الآفاق الجدیدة.  
نقی‌پورفر، ولی‌الله. (۱۳۸۱). *پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن*. چ چهارم. تهران: اسوه.  
هویدی بغدادی محمد، *التفسیر المعین للواعظین و المتعظین*. چ اول، قم: انتشارات ذوی القربی.